

## مقدمه مترجم

انسان‌شناسی زبان‌شناختی در حکم یکی از زیرشاخه‌های اصلی حوزه انسان‌شناسی در کشور زادگاهش یعنی ایالات متحده از بدو شکل‌گیری این حوزه در اوایل قرن میلادی گذشته همواره دوشادوش زیرشاخه‌های دیگر (باستان‌شناسی، انسان‌شناسی فرهنگی و انسان‌شناسی فیزیکی) تدریس و تحقیق می‌شده است. اما تدریس و تحقیق در این حوزه در گروه‌های انسان‌شناسی در دانشگاه‌های کشور ما یا تاکنون انجام نشده و یا بسیار اندک بوده است. به نظر می‌رسد یکی از دلایل آن معرفی نشدن این حوزه یا کمبود منابع بوده است. از این رو مترجم کتاب حاضر به گروه علوم اجتماعی سازمان مطالعه و تدوین (سمت) پیشنهاد داد که کتابی را در این زمینه برای چاپ و نشر در آن گروه ترجمه کند. این پیشنهاد پذیرفته شد و از آنجا که انسان‌شناسی زبان‌شناختی حوزه‌ای میان‌رشته‌ای است توجه گروه زبان‌شناسی «سمت» نیز به این موضوع معطوف گردید و آقای دکتر مهدی احمدی دست به کار مکاتبه با گروه‌های آموزشی انسان‌شناسی در دانشگاه‌های خارج از کشور و نظرخواهی از آنها درباره کتاب‌های موجود در این حوزه شدند. سرانجام کتاب حاضر برای ترجمه مناسب دیده شد، زیرا هم جدید است و هم اهم مباحث مطرح در این حوزه را پوشش می‌دهد. امید است ترجمه این کتاب برای دانشجویان رشته انسان‌شناسی و رشته‌های مرتبط در حوزه علوم اجتماعی و نیز برای دانشجویان رشته زبان‌شناسی مفید و مؤثر باشد.

ذکر این نکته لازم است که هنگامی که ترجمه حاضر آخرین مراحل را برای چاپ می‌گذراند نسخه ۲۰۱۷ کتاب اصلی به بازار آمد. در نسخه جدید یک فصل با عنوان «ایما و اشاره‌ها، زبان‌های اشاره، و چندوجهی بودن» به کتاب اضافه

شده بود و اندک تغییراتی نیز در داخل فصل‌ها دیده می‌شد. از این‌رو، تصمیم گرفته شد که برگردان فصل جدید به متن ترجمه افزوده شود، اما برگردان برخی تغییرات داخل فصل‌ها، که مستلزم صرف وقت بیشتر و مقابله سطر به سطر متن می‌باشد، به چاپ بعدی کتاب موکول گردد.

نکته دیگری که در اینجا لازم است به آن اشاره کنم این است که بنا به مقررات «سمت» مترجم در فصل دهم کتاب چندین کلمه را که کاربرد آنها در متن مغایر با شئون اخلاقی و هنجارهای فرهنگی دانسته می‌شد با کلمات دیگری جایگزین کرد. همچنین چند سطر از گفتگوی بین چند دانشجو که در همان فصل و در صفحه ۲۷۴ از کمرون نقل شده است حذف گردید و چند کلمه آن تغییر یافت. خوشبختانه این حذف و جایگزینی‌ها هیچ خللی به متن و مفاهیم آن فصل وارد نیاورده است.

در پایان لازم می‌دانم از آقای دکتر مهدی احمدی، که با صبر و حوصله و دقت فراوان برای انتخاب کتاب حاضر وقت خود را صرف کردند، و از مدیر محترم گروه اجتماعی و سایر مدیران و دست‌اندرکاران سازمان «سمت»، که برای چاپ هرچه بهتر این کتاب از هیچ‌گونه همکاری دریغ نکردند، صمیمانه سپاسگزاری کنم.

رضا مقدم کیا

دانشیار دانشگاه تهران

## پیشگفتار

مطالعه زبان آن گونه که در بافت‌های اجتماعی زندگی روزمره به کار برده می‌شود جذاب اما بی‌نهایت چالش‌برانگیز است. انسان‌شناسی زبان‌شناختی در مقام رشته‌ای علمی مفاهیم و ابزارهایی را برای رویارویی با این چالش فراهم می‌آورد. هدف من در این کتاب به دست دادن درآمدی قابل فهم بر اصول و رویکردهای اصلی انسان‌شناسی زبان‌شناختی است، بی‌آنکه بخواهم تشریک مساعی درهم‌تافته دانشمندان این حوزه را بیش از اندازه ساده‌سازی کنم. این کتاب به هر اندازه که در دستیابی به این مقصود توفیق یافته باشد، نه تنها برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی و دانشجویان دوره کارشناسی که برای بار اول به مطالعه انسان‌شناسی زبان‌شناختی می‌پردازند (و من بسیار علاقه‌مندم تا دلبستگی و اشتیاقم را به این حوزه به آنها منتقل کنم) بلکه برای تمامی خوانندگان دیگری نیز که ممکن است به دلایل مختلف به «زبان زنده» علاقه‌مند باشند سودمند خواهد بود. این دسته از خوانندگان احتمالاً گروه‌های مختلفی را دربر می‌گیرد، از جمله انسان‌شناسان فرهنگی، جامعه‌شناسان، یا دانشمندان علوم سیاسی که در تحقیقات خود چندان به زبان نپرداخته‌اند، اما از توجه به آن سود خواهند برد. همچنین امیدوارم کتاب حاضر برای زبان‌شناسانی سودمند باشد که پیش از این آثارشان ماهیتی فنی و انتزاعی داشته است، اما مایل‌اند توجه خود را به نمونه‌های واقعی عمل‌زبانی<sup>۱</sup> معطوف کنند و سرانجام، امیدوارم کتاب حاضر خوشایند همه کسانی باشد که به نقش محوری زبان در شکل بخشیدن به هنجارهای فرهنگی و تعاملات اجتماعی و نمایان ساختن آنها کنجکاوی ذاتی دارند.

---

1. linguistic practice

در ایالات متحده، انسان‌شناسی زبان‌شناختی یکی از چهار حوزه سنتی انسان‌شناسی است: باستان‌شناسی، انسان‌شناسی زیست‌شناختی (یا فیزیکی)، انسان‌شناسی فرهنگی و انسان‌شناسی زبان‌شناختی. هنگامی که فرانس بوآس بیش از صد سال پیش در پی تأسیس رشته انسان‌شناسی در ایالات متحده بود، اکثر انسان‌شناسان در تمامی این چهار حوزه آموزش می‌دیدند و اغلب در بیش از یکی از این حوزه‌ها تحقیقاتی هم انجام داده بودند. اما با تخصصی شدن بیش از پیش دانش پژوهی در قرن گذشته، این وسعت تخصص کم‌رنگ‌تر شد. یکی از اهداف اصلی من از نوشتن این کتاب این است که انسان‌شناسان زیرحوزه‌های دیگر، به ویژه انسان‌شناسان فرهنگی را در مورد مزایای آموزش همه‌جانبه در انسان‌شناسی زبان‌شناختی در کنار زیرحوزه «اصلی» خودشان متقاعد کنم. هرچه باشد بخش عمده‌ای از داده‌هایی که انسان‌شناسان فرهنگی (و بسیاری از پژوهشگران حوزه‌های دیگر) گردآوری می‌کنند ماهیت زبانی دارد. انسان‌شناسان زبان‌شناختی (برای نمونه، بریگز<sup>۱</sup>: ۱۹۸۶: ۲۲) استدلال کرده‌اند که این داده‌ها را نباید پنجره‌ای شفاف دانست که پژوهشگر با نگاه کردن از پشت آن می‌تواند به حقایق یا اطلاعات دست یابد، بلکه مصاحبه‌ها و دیگر منابع گردآوری داده‌ها برای دانشمندان علوم اجتماعی را باید رویدادهایی ارتباطی دانست که در آنها معانی به طور مشترک ساخته می‌شوند و در بافت‌های مختلف با هم درمی‌آمیزند. امید من این است که کتاب حاضر ابزارهایی سودمند و نمونه‌هایی از تحلیل فراهم آورد که به پژوهشگران در به دست دادن تحلیل‌های گوناگون از اعمال مختلف اجتماعی و زبانی یاری رساند.

در اینجا لازم است چند نکته را هم درباره نام‌گذاری و طبیعت گاه اختیاری مرز میان رشته‌ها متذکر شوم. انسان‌شناسی در حکم رشته‌ای علمی در همه دانشگاه‌های ایالات متحده و مطمئناً در همه کشورهای دنیا تدریس نمی‌شود. گاهی این رشته زیرمجموعه جامعه‌شناسی قرار می‌گیرد و در مواردی انسان‌شناس در گروه‌های آموزشی دیگری از علوم سیاسی گرفته تا روان‌شناسی تربیتی کار می‌کند.

انسان‌شناسی زبان‌شناختی در مقام یکی از زیررشته‌های انسان‌شناسی بیشتر محدود به ایالات متحده است و در کشورهای دیگر به ندرت زیررشته‌ای مستقل به حساب می‌آید. با وجود این، مضامین و رویکردهای بنیادی انسان‌شناسی زبان‌شناختی آن گونه که در کتاب حاضر معرفی شده است عموماً در خط مقدم پژوهش‌های پیشرو در حوزه‌های مختلف قرار دارد، حتی اگر حوزه‌ای که تحقیق مورد نظر در آن به انجام رسیده است برچسب «انسان‌شناسی زبان‌شناختی» نداشته باشد. برای مثال، در بریتانیا اصطلاح «مردم‌نگاری زبان‌شناختی»<sup>۱</sup> به طور فزاینده‌ای رایج شده و معرف کارها و آثار دانشمندانی است که، مانند انسان‌شناسان زبان‌شناختی، از زبان توصیف مردم‌نگارانه به دست می‌دهند (مقایسه کنید با: کریس<sup>۲</sup> ۲۰۰۸). پژوهش‌های برخی از جامعه‌شناسان زبان نیز که معمولاً مدرک دکتری در زبان‌شناسی دارند، نه در انسان‌شناسی یا جامعه‌شناسی (هرچند موارد استثنا هم وجود دارد) بسیار به رویکردهایی نزدیک‌اند که من در این کتاب شرح می‌دهم. افزون بر آن، خود انسان‌شناسان زبان‌شناختی هم گاهی از عناوینی چون زبان‌شناسی انسان‌شناختی، زبان‌شناسی قومی، یا زبان‌شناسی «انسانی-سیاسی»<sup>۳</sup> برای توصیف کارهایشان استفاده می‌کنند، و بسیاری از پژوهشگران، آثار مهم و مناسبی را در حوزه‌های مرتبط دیگر همچون کاربردشناسی، زبان‌شناسی اجتماعی-سیاسی، تحلیل گفتمان، سخنوری (فن بیان)، زبان‌شناسی کاربردی یا ارتباط‌شناسی خلق می‌کنند (دورانتی<sup>۴</sup> ۱۹۹۷، ۲۰۰۳، در دست چاپ؛ زنتلا<sup>۵</sup> ۱۹۹۶). در این کتاب از آثار بسیاری از این دانشمندان و نیز پژوهشگران حوزه‌های دیگر بهره برده‌ام. با اینکه خود را پرورده سنت انسان‌شناسی زبان‌شناختی می‌دانم، با خواسته مری باکلتز و کیرا هال<sup>۶</sup> (۲۰۰۸) مبنی بر اتخاذ رویکرد «همه موارد فوق» به مطالعه کاربرد زبان در بافت‌های اجتماعی زندگی واقعی همسو هستم. به باور من با ورود به بحث فرارشته‌ای نه تنها چیزی از دست نمی‌دهیم بلکه چیزهای زیادی به دست می‌آوریم.

- 
1. linguistic ethnography
  2. Creese
  3. anthropological
  4. Duranti
  5. Zentella
  6. Mary Bucholtz and Kira Hall

همان اندازه که تحقیقات انجام شده درباره زبان در همه این حوزه‌های مختلف را ارزشمند می‌دانم، می‌کوشم تا رویکرد مورد تأییدم را از رویکرد دیگری متمایز کنم که زبان را صرفاً مجموعه‌ای انتزاعی از قواعد دستوری مستقل از هر نوع تعامل زبانی واقعی می‌داند. ساخت زبان و بینش‌های زبان‌شناختی مربوط به آن که پس از تسلط آراء فردیناند دوسوسور و سپس نوآم چامسکی از چند دهه پیش بر حوزه زبان‌شناسی پدید آمدند برای اکثر انسان‌شناسان زبان‌شناختی بی‌اندازه مهم‌اند، اما با تضعیف سلطه آراء چامسکی بر زبان‌شناسی، اکنون دلایل بیشتری وجود دارد که رویکرد مطرح شده در این کتاب (که کاربرد زبان را شکلی از کنش اجتماعی می‌داند) در حکم رویکردی جایگزین معرفی شود تا بتواند مکملی برای آن باشد یا موجب مفهوم‌سازی مجدد دیدگاه چامسکی به زبان گردد. در شرایط آرمانی، دانشمندانی که کاربردهای زبانی را شکلی از کنش اجتماعی می‌دانند می‌توانند از ارزشمندترین یافته‌های مربوط به ساخت زبان که در چارچوب نظریه چامسکی به دست آمده‌اند بهره ببرند و در عین حال به چگونگی لانه‌گیری اعمال زبانی در شبکه‌هایی از سلسله‌مراتب و هویت‌های اجتماعی توجه دقیق نشان دهند. این کاری چالش‌برانگیز است و همان‌طور که مایکل سیلورستاین<sup>۱</sup> خاطرنشان کرده است می‌تواند به احساسی منجر شود که «مشابه احساس شخص در موقعیت خنده‌داری است که یک پایش روی اسکله و پای دیگرش داخل قایق است و در همان هنگام موجی هم که به ساحل آمده است با شتاب به سوی دریا بازمی‌گردد» (۲۰۰۶: ۲۷۵).

سیلورستاین در ادامه می‌گوید:

نکته استعاری مهم در اینجا این است که نیروی بدنی زیادی لازم است که فرد سر پا باقی بماند، در حالتی که یک پایش محکم در زبان به منزله رمزگانی ساختمان قرار دارد و پای دیگرش در زبان در حکم ابزار انتقال شیوه‌های مختلف زندگی اجتماعی-فرهنگی گروه‌های انسانی و کلان‌ساختارهای اجتماعی-تاریخی نوظهور آنها در ابعاد و اندازه‌های مختلف (۲۰۰۶: ۲۷۵).

هدف کتاب حاضر فراهم آوردن بینش‌های نظری، ابزارهای روش‌شناختی، و نمونه‌هایی از مردم‌نگاری برای کسانی است که می‌خواهند در چنین وضعیتی سر پا

1. Michael Silverstein

باقی بمانند (یعنی کسانی که مایل اند به زبان هم از منظر الگوهای دستوری اش نگاه کنند هم از منظر نقشی که در شکل دادن به زندگی اجتماعی ایفا می کند).

زبان زنده از سه بخش تشکیل شده است. در بخش اول، «زبان: برخی پرسش‌های بنیادی»، درباره تصور ممکن از کاربرد زبان و مطالعه آن در حکم شکلی از کنش اجتماعی توضیح خواهم داد. در فصل مقدماتی این بخش، «حیات آکنده از جامعه زبان»، چهار اصطلاح مهم معرفی می شوند که برای خوانندگان هنگام خواندن فصل‌های بعدی همچون تکیه‌گاه عمل خواهند کرد. از این چهار اصطلاح (چندنقشی بودن، باورهای زبانی، عمل، و اشارت‌نگری) می توان در بافت‌های اجتماعی مختلف به منظور دستیابی به درک عمیق‌تری از کارکرد زبان بهره برد. فصل دوم، ایما و اشاره‌ها، زبان‌های اشاره، و چندوجهی بودن از نسخه جدید اضافه شده است. فصل سوم، «فرایند تحقیق در انسان‌شناسی زبان‌شناختی»، به توصیف شیوه‌های مختلفی اختصاص دارد که انسان‌شناسان زبان‌شناختی برای انجام پژوهش‌های خود به کار می گیرند و در آن برخی تنگناهای عملی و اخلاقی پیش روی پژوهشگران به هنگام مطالعه زبان در موقعیت‌های زندگی واقعی به بحث گذاشته می شود. فصل چهارم، «فراگیری زبان و جامعه‌پذیری»، نشان می دهد که انسان‌شناسان زبان‌شناختی چگونه نحوه فراگیری زبان (های) اول از سوی کودکان را مطالعه می کنند که این فراگیری هم‌زمان با جامعه‌پذیری و سازگار شدن آنها با اعمال و روش‌های فرهنگی است. از چنین برداشتی از اعمال زبانی و فرهنگی که آنها را درهم تافته می داند، می توان در مطالعه سازگاری زبانی نوجوانان و بزرگسالان با موقعیت‌های اجتماعی یا حرفه‌ای جدید نیز بهره برد. در فصل پنجم که آخرین فصل از بخش اول کتاب است، «زبان، اندیشه، و فرهنگ»، اصول بنیادی فرضیه موسوم به «فرضیه سایپر-ورف» و برخی مجادلات مربوط به آن و چگونگی ربط زبان به اندیشه و فرهنگ بررسی می شود.

بخش دوم کتاب، «جوامع گویندگان، شنوندگان، خوانندگان و نویسندگان»، از این مباحث بنیادی فراتر می رود تا مبنای گروه‌های اجتماعی و زبانی مختلف را بررسی کند. فصل ششم، «جوامع کاربران زبان»، مفهوم «جامعه گفتاری» و دانش پژوهی موجود درباره این موضوع را معرفی می کند و با بحث درباره مفهوم

جایگزین و ارزشمند «جامعه عمل» خاتمه می‌یابد. فصل هفتم، «چندزبانگی و جهانی شدن»، این جوامع را در بستری جهانی قرار می‌دهد تا اهمیت توجه به چندزبانگی افراد و جوامع را هنگام تحقیق درباره فعالیت‌های زبانی و اجتماعی در هر جایی از جهان آشکار سازد. فصل هشتم، «فعالیت‌های نوشتاری»، از اهمیت توجه به طبیعت درهم‌تافته سواد و زبان گفتاری دفاع می‌کند. بسیاری از انسان‌شناسان زبان‌شناختی فقط بر زبان گفتاری تمرکز می‌کنند، اما مطالعه فعالیت‌های نوشتاری همراه با تعاملات کلامی می‌تواند روشنگر باشد. فصل نهم، «کنش، کنش‌مندی و بر ساخت جوامع»، که آخرین فصل از بخش دوم کتاب است از رویکردهای مختلف نظری و مردم‌نگارانه به کنش و کنش‌مندی پرده برمی‌دارد و اهمیت این مضامین را در درک چگونگی شکل‌گیری جوامع زبانی و اجتماعی به بحث می‌گذارد.

بخش آخر کتاب، «زبان، قدرت، و تفاوت‌گذاری اجتماعی»، ضمن بررسی ابعاد مختلف تفاوت‌گذاری و نابرابری اجتماعی و زبانی در برخی جوامع، بحث شکل‌گیری جوامع واقعی را عمیق‌تر بررسی می‌کند. در فصل دهم، «زبان و جنسیت»، برخی باورهای زبانی رایج درباره شیوه‌های سخن گفتن زنان و مردان بررسی می‌شود و برخی پژوهش‌های انجام‌شده درباره طبیعت پیچیده اعمال زبانی جنسیت‌مدار معرفی می‌گردد. در فصل یازدهم، «زبان، نژاد و قومیت»، دو شکل رایج دیگر از تفاوت‌گذاری زبانی و اجتماعی، یعنی نژادسازی<sup>۱</sup> و قوم‌سازی<sup>۲</sup>، بررسی می‌شود. در این فصل ماهیت قاعده‌مند انگلیسی‌افریقای-امریکایی، مناظره عمومی ابونیکس مربوط به سال‌های ۱۹۹۶-۱۹۹۷، و جنبه‌های نژادسازی اسپانیایی‌ماک توصیف می‌گردد. در فصل دوازدهم، «مرگ و تجدید حیات زبان»، دلایل در مخاطره بودن زبان‌های جهان و نیز این مسئله که کدام نابرابری‌های اجتماعی و باورهای زبانی اساس این گفتمان‌های مخاطره را تشکیل می‌دهند، بررسی می‌شود. در فصل پایانی «نتیجه: زبان، قدرت و کنشگری»، مطالب مطرح‌شده در فصل‌های قبل جمع‌بندی می‌شوند تا چشم‌اندازی از لانه‌گیری اعمال زبانی در پویایی قدرت و

1. racialization  
2. ethnicization

تأثیرپذیری آن از اشکال مختلف کنشگری فراهم آید. در این فصل همچنین رئوس کلی آراء و دیدگاه‌های جمعی از نظریه‌پردازان اجتماعی از جمله ریموند ویلیامز، میشل فوکو، شری اُرتنر، و پیر بوردیو معرفی می‌شوند که به گمان من برای دستیابی به درک عمیق‌تری از زبان، قدرت، کنشگری، و کنش اجتماعی از همه سودمندترند.

در مجموع، هدف این کتاب دعوت خوانندگان به کاوش عمیق‌تر در مورد این مفهوم است که کاربرد زبان همواره به معنی درگیر شدن در شکلی از کنش اجتماعی است. مبادرت به این کندوکاو به درک بهتری از معنی یا مفهوم احتمالی «زبان زنده» منجر خواهد شد.